

حسین دانش و رضا توفیق

خیام نیشابوری

زندگی، افکار و رباعیات

ترجمه و توضیح شیخ ابراهیم زنجانی

تصحیح و تدوین مسعود جعفری جزی



خیام نیشابوری

زندگی، افکار و رباعیات

حسین دانش و رضا توفیق

ترجمه و توضیح
شیخ ابراهیم زنجانی

تصحیح و تدوین
مسعود جعفری جزی



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	دانش، حسین، ۱۲۵۲-۱۳۲۲
عنوان و نام پدیدآور	خیام نیشابوری: زندگی، افکار و رباعیات / حسین دانش، رضا توفیق؛ ترجمه و توضیح شیخ ابراهیم زنجانی.
عنوان قراردادی	رباعیات. شرح
مشخصات نشر	تهران: نیلوفر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۵۳۱ ص + ۵۲ ص. = ۵۸۳ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۴-۹۱-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	واژه‌نامه.
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمابه.
موضوع	خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲-۵۱۷؟ ق. رباعیات -- نقد و تفسیر.
موضوع	Omar Khayyam. Ruba'iyat--Criticism and interpretation
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۵ ق. تاریخ و نقد.
موضوع	Persian poetry -- 11th century -- History and criticism
شناسه افزوده	زنجانی، ابراهیم، ۱۲۳۴-۱۳۱۳.. مترجم
شناسه افزوده	Khayyam, Omae ebn Ebrahim... . Rubaiyat
رده‌بندی کنگره	PIR ۴۶۳۵
رده‌بندی دیوبی	۸ فا ۱/۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۳۵۸۱۸



خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

انتشارات نیلوفر

حسین دانش و رضا توفیق

خیام نیشابوری (زندگی، افکار و رباعیات)

ترجمه و توضیح: شیخ ابراهیم زنجانی

تصحیح و تدوین: مسعود جعفری جزوی

حروفچین: حمید سناجیان

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰

چاپ گلشن سبز

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است

فروش اینترنتی: nilofarpublications.com

فهرست

اشاره.....	هفت
سرآغاز.....	نه
[مقدمه مترجم فارسی].....	۱
[ترجمه منظوم اشعار ترکی حسین دانش].....	۷
مقدمه اصل.....	۱۱

فصل اول

معرفت هویت او.....	۲۳
عمر خیام شاعر.....	۵۷

فصل دویم

حکیم نیشابوری غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم الخیام.....	۸۷
اول: ماوراء الطبیعه.....	۱۰۸
دوم: خیام طرفدار فلسفه انقلاب است.....	۱۲۷

فصل سیم

خیام به زندگانی چه معنی و قیمت می دهد؟.....	۱۳۵
---	-----

فصل چهارم

۱۴۳ خيام نسبت به زندگانی بدبين است

فصل پنجم

۱۶۵ نياحت به حکماى عظام

فصل ششم

۲۰۵ مى توان گفت خيام صوفى است؟

۲۲۳ تمهة مقدمه

۲۴۹ رباعيات عمرخيام

۲۵۹ متن رباعيات

۴۶۷ فهرست‌هاى راهنما

۴۶۷ واژه‌نامه

۴۷۳ نمايه

۴۹۴ كتاب‌ها

۴۹۶ آيات

۴۹۹ دعاها، احاديث و عبارات عربى

۵۰۳ بيت ياب اشعار فارسى

۵۲۷ بيت ياب اشعار عربى

۵۳۱ بيت ياب اشعار تركى

اشاره

حکیم عمر خیّام نیشابوری، ریاضی‌دان، عالمِ جبر و هندسه، منجم و فیلسوف نامدار، از طبع شعر هم بهره داشته و شعرهایی به عربی و فارسی سروده است. با این حال، خیّام شاعر در دوران قدیم چندان شهرتی نداشته و اگر هم در برخی منابع به یکی دو رباعی او اشاره شده به خاطر محتوای فکری این رباعی‌ها بوده و نه هنر شاعری او. هرچه از روزگار حیات خیّام دورتر شده‌ایم بر تعداد این رباعی‌ها افزوده شده است ولی تغییر عمده در قرن نوزدهم میلادی و با ترجمهٔ رباعیات خیّام به انگلیسی به قلم فیتزجرالد پدید آمده است. در پی انتشار رباعیات به زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر خیّام شاعر از نو کشف شد و دیگر وجوه شخصیت او تحت الشعاع وجه شاعری‌اش قرار گرفت.

در ترکیه نیز در اوایل قرن بیستم مجموعه‌های متعددی از ترجمه‌های رباعیات خیّام فراهم آمد. یکی از مشهورترین این مجموعه‌ها کتابی است که حسین دانش از ادیبان ایرانی مقیم استانبول و رضا توفیق مشهور به فیلسوف، از اندیشمندان اهل ترکیه، فراهم آوردند. حسین دانش و رضا توفیق متنِ فارسی رباعیات را همراه با ترجمه و شرح و تفسیر ترکی آن‌ها

منتشر کردند. نسخه‌ای از این کتاب را در همان سال‌ها پسر شیخ ابراهیم زنجانی که در سفارت ایران در استانبول کار می‌کرد، برای پدرش تهیه کرد و به ایران فرستاد. زنجانی این کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در لابه‌لای ترجمه برخی دیدگاه‌های خودش را نیز گنجانید. تا آنجا که می‌دانیم، از این ترجمه دو نسخه خطی وجود دارد. کتاب حاضر متن تصحیح شده ترجمه شیخ ابراهیم زنجانی از شرح و تفسیر رباعیات خیام به قلم حسین دانش و رضا توفیق است که براساس همین دو نسخه خطی فراهم آمده است.

دربارۀ جوانب مختلف این اثر در مقدمه به اختصار سخن خواهیم گفت. در اینجا لازم است از بزرگوارانی که در آماده‌سازی کتاب ما را یاری داده‌اند سپاس‌گزاری کنیم: استاد فرزانه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که دسترسی به نسخه دانشگاه تهران به لطف ایشان ممکن شد؛ دوست مشفق آقای مهندس محمد صنعتکار که زحمت فراهم آوردن تصویر نسخه دانشگاه را با گشاده‌رویی پذیرفتند؛ خانم‌ها فریبا حرّی و فرشیده کنانی در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که همواره با علاقه‌مندی و خوش‌رویی راهنمای مراجعان‌اند؛ دوست ارجمند آقای دکتر حسن‌زاده نیری استاد ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی که در ضبط بیت‌ها و عبارات‌های ترکی متن با نظر صائب خود ما را همراهی کردند و حروف‌نگار هنرمند آقای حمید سناجیان که در طول پنج سال گذشته بارها تغییرات و اصلاحات متن را با دقت و ظرافت انجام دادند و صبورانه کار را به پایان بردند. و سپاس او را.

سراغاز

خیام

غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام یا خیامی نیشابوری پیش از نیمه قرن پنجم (حدود ۴۴۰ هـ ق.) در نیشابور به دنیا آمد و در سال ۵۱۷ یا ۵۱۹ هـ ق. در همان شهر درگذشت. خیام دانشمند و فیلسوفی نامدار بود و در ریاضیات، جبر، هندسه، نجوم و فلسفه سرآمد هم‌عصران خود به شمار می‌آمد. خیام در فلسفه مشرب‌مشایی داشت و پیرو ابن سینا بود. او در همه عمر مشغول درس و بحث بود، اما آثار و نوشته‌های مفصلی از خود به جای نگذاشت. مهم‌ترین آثار علمی خیام - بنا بر سنت مرسوم آن زمان - به زبان عربی نوشته شده است: کتاب **جبر و مقابله**، رساله‌ای در علم موسیقی، رساله‌ای در هندسه، رساله‌ای درباره‌ی اندازه‌گیری وزن مخصوص اجسام و رساله‌ای در هستی‌شناسی فلسفی و ماهیت کائنات. از جمله نوشته‌های فارسی خیام باید از ترجمه و شرح او از **خطبة الغزای** ابن سینا و رساله‌ای در باب **کلیات علم وجود** و نگاه فلسفی به جهان نام برد. البته کتاب **نوروزنامه** را نیز به خیام منسوب کرده‌اند ولی در باب صحّت این انتساب حرف و سخن بسیار است.

درباره زندگی خیام جزئیات قابل اعتماد کم است، اما به طور کلی می‌دانیم که در میان علما و بزرگان عصر از احترام خاصی بهره‌مند بوده و حاکمان و وزیران نیز به او توجه داشته‌اند. خیام از جمله دانشمندانی است که در زمان ملکشاه سلجوقی در رصدخانه اصفهان تقویم شمسی را اصلاح کردند، اما آنچه درباره همدرس بودن خیام با نظام‌الملک و حسن صباح گفته‌اند و داستان‌هایی که در این باب نقل کرده‌اند ظاهراً پایه و اساسی ندارد.^۱

رباعیات خیام

خیام، گذشته از فلسفه و ریاضیات و نجوم، در ادب نیز صاحب نظر بوده و به سنت مرسوم در آن عصر، در عربی دانی و تأمل در ادبیات عرب نیز از سرآمدان زمان خود بوده است. جلال‌الله زمخشری، مفسر، ادیب و لغت‌شناس بزرگ با خیام درباره اشعار ابوالعلاء معری بحث و گفت‌وگو داشته^۲ و برخی از دیگر معاصران او نیز به دانش گسترده او در شعر و ادب و تفسیر و عربی دانی اشاره کرده‌اند.^۳ خیام ظاهراً به همان‌گونه که در میان فلاسفه و دانشمندان مرسوم بوده، به شاعری و شعرسرایی چندان اهمیتی نداشته و آن را در مقابل شأن علمی و فلسفی خود دارای اهمیت نمی‌دانسته، اما به تفنن و یا به مناسبت وقت و حال، شعرهایی هم

۱. درباره زندگی و آثار خیام، از جمله رجوع شود به: همایی، جلال‌الدین: خیامی‌نامه؛ مصاحب، غلامحسین: حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر؛ ذکاوتی فراگزلو، علیرضا: حکیم خیام نیشابوری؛ امین رضوی، مهدی: صهبای خرد؛ اقبال آشتیانی، عباس: «راجع به احوال عمر خیام نیشابوری.» در مجموعه مقالات، به اهتمام دبیرسیاقی، ج ۱.

۲. فروزانفر، بدیع‌الزمان: «قدیم‌ترین اطلاع از زندگانی خیام»، ص ۲۶۷. در مجموعه مقالات و اشعار، به کوشش عنایت‌الله مجیدی.

۳. اقبال آشتیانی، عباس: همان، ص ۴۰۹.

می سروده است. همین ویژگی را در شخصیت ابن سینا هم سراغ داریم. به لحاظ تاریخی، چند شعر عربی که از خیّام باقی مانده، در قیاس با اشعار فارسی او، اصالت و سندیت بیشتری دارد یعنی گزارش منابع کهن و نزدیک به زمان حیات خیّام تردیدی باقی نمی‌گذارد که قطعاً او چند شعر عربی سروده است^۱، اما در منابعی که در زمان حیات خیّام یا بسیار نزدیک به روزگار او تدوین شده‌اند اشاره‌ای به شعر فارسی او نشده است. قدیمی‌ترین منبعی که یک رباعی خیّام را به نام او ضبط کرده رساله‌ای از امام فخر رازی (درگذشت: ۶۰۶ هـ. ق.) است.^۲

برخی از صاحب‌نظران، با توجه به همین نکته که معاصران خیّام به شعرسرایی او اشاره نکرده‌اند و معانی و محتوای رباعی‌ها نیز با افکار و عقاید رایج در میان علما سازگار نیست، به وجود دو خیّام قائل شده‌اند و سراینده رباعی‌ها را شخص دیگری به‌جز خیّام ریاضی‌دان و فیلسوف دانسته‌اند.^۳ این دیدگاه پایه‌ای استوار ندارد و مهم‌ترین دلیل بی‌اعتباری‌اش آن است که مثلاً نویسنده کتاب *مرصادالعباد* که در سال ۶۲۰ هـ. ق. کتابش را تألیف کرده و با مشربِ فلاسفه مخالف بوده، چند رباعی خیّام را نه به‌عنوان سروده‌های شاعری از میان جمع شاعران بلکه به‌عنوان اشعار خیّام حکیم و دانشمند و فیلسوف نقل کرده است.^۴ علامه قزوینی، با اشاره به لقب *ملک‌الحکماء* که در *مونس‌الأحرار* در وصف

۱. مورتن، الکساندر: «چند رباعی خیّامانه از روزگار خیّام»، بخارا، ش ۱۳۷، ص ۶۰.

۲. مینوی، مجتبی: «از خزاین ترکیه»، *مجله دانشکده ادبیات تهران*، سال ۴، ش ۲، دی ۱۳۳۵، ص ۷۱.

۳. محیط طباطبایی، محمد: *خیّامی یا خیّام؟* جعفری، محمد تقی: *تحلیل شخصیت خیّام؟* جلالی نایینی، محمدرضا: «خیّام نیشابوری شاعر نبود»، *حافظ*، ش ۲۸، اردیبهشت ۱۳۸۵.

۴. دشتی، علی: *دمی با خیّام*، ص ۱۸.

خیام و به هنگام ذکر رباعیات او آمده، چنین نتیجه گرفته است که «خیام شاعر صاحب رباعیات مشهور، همان خیام حکیم معروف است نه شخصی علی حده.»^۱

امروزه با نظر به تحقیقاتی که از جنبه‌های گوناگون درباره خیام و رباعیاتش صورت گرفته، می‌توان با اطمینان خاطر گفت که خیام ریاضی‌دان و حکیم گهگاه شعرهایی به عربی و فارسی می‌سروده اما شاعری پیشه اصلی‌اش نبوده و اعتنایی به گردآوری و تدوین این شعرها نداشته است. اصیل‌ترین رباعی‌های خیام همان‌هایی هستند که در متون تألیف شده در قرن هفتم و هشتم آمده‌اند. از قرن نهم به تدریج سرودن رباعی‌هایی با مضمون‌های مشابه رونق گرفته و همه آن رباعی‌ها به نام خیام ضبط شده است.^۲

محققان روزگار ما برای تشخیص رباعیات اصیل خیام بسیار تلاش کرده‌اند. برخی از آنان با اصل قرار دادن رباعی‌هایی که در منابع کهن به خیام منسوب شده کوشش کرده‌اند کلیدی برای حل این مشکل پیدا کنند.^۳ توجه به مضمون‌های خیامانه و اسلوب قافیه‌بندی از دیگر ملاک‌های تشخیص رباعی‌های اصیل بوده است. با این همه و هرچند گام‌هایی بلند در این راه برداشته شده، هیچ‌گاه نتیجه مطلوب حاصل نشده است.^۴ از همین رو، برخی دیگر از صاحب‌نظران پیشنهاد کرده‌اند که به جای تلاش در این راه، همه این رباعی‌ها را محصول یک مکتب

۱. قزوینی، محمد: «مونس الأحرار»، در بیست مقاله، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. در این باره، رجوع شود به میرافضلی، سید علی: رباعیات خیام در منابع کهن.

۳. از جمله این محققان می‌توان از علی دشتی نام برد که این رباعی‌های اصیل را «رباعی‌های کلید» نامیده است. (دمی با خیام، ص ۱۰۹).

۴. مورتن، الکساندر: همان، ص ۶۰.

فکری و شاعرانه به شمار آوریم و آن‌ها را از مقوله «خیامیات»^۱ یا رباعی‌های «خیامانه»^۲ تلقی کنیم.

در مجموع، تردیدی نیست که همه رباعی‌هایی که امروزه در دست ما است سروده شخص خیام نیستند و از سوی دیگر، شخصیت خیام شاعر که همان خیام فیلسوف و ریاضی‌دان باشد هم انکار کردنی نیست. شاید بهتر آن باشد که رباعی‌هایی را که در منابع کهن به نام خیام آمده‌اند رباعی‌های اصیل او دانست و در کنار آنها رباعی‌های «خیامانه» را نیز به‌عنوان یک نوع ادبی خاص به رسمیت شناخت.

ترجمه فیتزجرالد

هیچ‌کس نمی‌داند که اگر ادوارد فیتزجرالد در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی با نسخه خطی رباعی‌های خیام آشنا نمی‌شد و آن‌ها را به انگلیسی بازسرای می‌کرد، امروز خیام شاعر چه جایگاهی در فرهنگ و ادب ایران و جهان داشت، اما مسلم است که با این اتفاق خجسته، خیام شاعر از نو کشف شد. ترجمه آزاد و خلاق فیتزجرالد در سال‌های پایانی قرن نوزدهم ده‌ها بار تجدید چاپ شد و شاعران بزرگ زمان آن را تحسین کردند و در میان عموم شعرخوانان رواجی خارق‌العاده یافت. از همان سال‌ها ترجمه‌های گوناگون رباعیات - غالباً از روی همان ترجمه انگلیسی و گاه با نظر به متن فارسی - به زبان‌های مختلف اروپایی و اندکی بعدتر دیگر زبان‌های جهان ترجمه شد و به تدریج خیام به آن‌چنان

۱. شفیع کلکنی، محمدرضا: مقدمه مختارنامه عطار نیشابوری، ص ۱۱.

۲. مورتز، الکساندر: همان، ص ۶۰؛ مقایسه شود با شمیس، سیروس: سیر رباعی در شعر

فارسی، ص ۱۶۸.

شهرتی دست یافت که هیچ‌یک از شاعران ایران هرگز به آن دست نیافته بودند.^۱

شاید خیام تنها شاعر بزرگی باشد که پس از آن که اشعارش در گستره‌ای جهانی نفوذ و رواج یافت تحقیق درباره شعر و زندگی اش رونق گرفت و به تدریج مجموعه‌هایی از رباعی‌های او جمع‌آوری و تدوین شد. این کار در آغاز به دست شرق‌شناسان اروپایی و روسی همچون کریستین سن^۲ و ژوکوفسکی^۳ آغاز شد و در اوایل قرن بیستم میلادی و از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی محققان ایرانی همچون صادق هدایت، سعید نفیسی، غلامرضا رشید یاسمی، محمد علی فروغی و دیگران نیز کار پژوهش و تحقیق در این عرصه را تداوم بخشیدند.

پژوهش‌هایی که در طول یکصدوپنجاه سال گذشته در ایران و خارج از ایران و به زبان‌های گوناگون درباره خیام و رباعیاتش صورت گرفته کتابخانه‌ای بزرگ را شکل داده است و برای این‌که علاقه‌مندان و جستجوگران بتوانند با این آثار آشنا شوند چندین کتاب‌شناسی به زبان فارسی و دیگر زبان‌ها فراهم آمده است.^۴ جدیدترین این کتاب‌شناسی‌ها که به مناسبت یکصدوپنجاهمین سالگرد انتشار ترجمه فیتزجرالد و دوستمین سالروز تولد او فراهم آمده و ادامه کتاب‌شناسی‌های پیشین

۱. در این باره، از جمله رجوع شود به مینوی، مجتبی: «گل سرخ نیشابور»، در پانزده گفتار، ص ۳۱۳ و بعد؛ یوسفی، غلامحسین: چشمه روشن، ص ۱۰-۱۰۹؛ حسینی، مصطفی: سرگذشت رباعیات.

۲. آرتور کریستین سن (۱۸۷۵-۱۹۴۵) ایران‌شناس نامدار دانمارکی.

۳. والتین ژوکوفسکی (۱۸۵۸-۱۹۱۸) ایران‌شناس بزرگ روسی.

۴. از جمله، رجوع شود به فاطمه و زهرا انگورانی: کتاب‌شناسی عمر خیام، انجمن آثار و مفاخیر فرهنگی.

در زبان انگلیسی است شامل معرفی یک هزار و پانزده اثر است.^۱ برای این که از گستردگی رواج رباعی‌های خیّام در جهان تصویری دقیق‌تر داشته باشیم باید بدانیم که برای نمونه تاکنون بیش از شصت ترجمه مختلف از همه یا بخشی از رباعیات خیّام به زبان عربی صورت گرفته است. از این ترجمه‌ها سی و هشت ترجمه به شعر عربی، چهارده ترجمه به نثر و هشت ترجمه به لهجه‌های محلی و گونه‌های گفتاری است. این ترجمه‌ها از اصل فارسی یا ترجمه انگلیسی صورت گرفته و تأثیری بسیار گسترده بر تخیل شعری، اندیشه فلسفی و دیگر جوانب فرهنگی جهان عرب داشته است.^۲ یکی از مترجمان عربی رباعیات خیّام احمد صافی نجفی، شاعر نامدار عراقی، است. او برای این که زبان فارسی را به خوبی فراگیرد به تهران سفر کرد و هشت سال در آنجا ماند و سه سال هم برای ترجمه رباعیات وقت صرف کرد. جمیل صدقی زهاوی، شاعر کرد عراقی، نیز ترجمه دیگری از رباعیات فراهم آورد.^۳ احمد رامی، شاعر و ترانه‌سرای بزرگ مصری، هم ترجمه‌ای منظوم از رباعیات فراهم آورده که خواننده نامدار عرب، امّ کلثوم، چند رباعی از ترجمه او را به آواز خوانده است.^۴ رباعی‌های خیّام را در بسیاری از زبان‌های دیگر هم به آواز خوانده‌اند و علاوه بر ترجمه، اقتباس‌های گوناگونی از آن‌ها صورت گرفته و باشگاه‌ها و انجمن‌های بسیاری دوستانداران شعر خیّام را گرد هم می‌آورند.

1. Coumans, Jos: *The Rubāiyat of Khayyam*, An Updated Bibliography, Leiden University Press, 2010.

2. Alsulami: "The Arb 'Umar Khayyam", in *The Great 'Umar Khayyām*, Edited by A.A. Seyed-Gohrab, Leiden University Press, 2012, p. 73.

3. Ibid., pp. 77-8.

۴. ویتکم، یان ژوست: «رباعیات خیّام با آواز امّ کلثوم»، بخارا، ش ۱۴۰، آذر - دی ۱۳۹۹، ص ۳۲۸-۴۳.

کارت‌پستال‌ها، نقاشی‌ها، مینیاتورها و آثار هنری فراوانی هم با الهام از شعر خیام طراحى و تزئین شده‌اند. نکته مهم این است که هرچند دوران اوج توجه به خیام در جهان سال‌های آغازین قرن بیستم بوده است اما رواج و نفوذ رباعیات تا به امروز هم تداوم یافته است.

ترجمه ترکی رباعیات

شهرت رباعیات خیام در اواخر قرن نوزدهم به ترکیه نیز رسید. در همان زمان احمد فیضی افندی تبریزی نخستین مجموعه رباعیات خیام را به ترکی ترجمه و منتشر کرد.^۱ در سال ۱۲۹۳/۱۹۱۴ عبدالله جودت، ادیب نامدار عصر، مجموعه‌ای مختصر از رباعیات خیام را به زبان ترکی ترجمه و منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۳۰۵/۱۹۲۶ برای بار دوم چاپ شد. یکی از شاعران مهم آن دوران، یحیی کمال، نیز رباعیات خیام را به ترکی ترجمه و بازسازی کرده است. در سال ۱۳۰۱/۱۹۲۲ حسین دانش و رضا توفیق کتاب حاضر را فراهم آوردند.^۲ این کتاب با تغییرات و اصلاحات و حذف بخش‌هایی از مقدمه آن در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ به چاپ دوم رسید. پس از آن تاریخ نیز ده‌ها مجموعه کوچک و بزرگ از رباعیات خیام در ترکیه منتشر شده است.^۳

۱. درباره فیضی تبریزی، رجوع شود به رئیس‌نیا، رحیم: *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ج ۲، ص ۷۵-۷۷.

۲. رئیس‌نیا، رحیم: «پیشینه ترجمه رباعیات خیام به ترکی و بازسازی‌های یحیی کمال»، بخارا، سال ۱۵، ش ۸۶، ص ۶۱-۷۱.

۳. ریاحی، محمد امین: *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، ص ۲۲۰.

حسین دانش

حسی دانش اصفهانی (پدرام) در سال ۱۲۴۸/۱۸۷۰ از پدری ایرانی و مادری قفقازی در شهر استانبول به دنیا آمد. پدرش آقا محمد هاشم اصفهانی به شغل تجارت اشتغال داشت و در نیمه قرن نوزدهم در استانبول ساکن شده بود. حسین دانش ادبیات فارسی، ترکی و فرانسه را به خوبی آموخت و همه عمرش را صرف مطالعه و تحقیق و تدریس کرد. او در جامعه ادبی ترکیه آن عصر ادیبی نامدار و تأثیرگذار بود و در ترویج ادبیات فارسی و فرهنگ ایران نقشی مهم ایفا کرد. دانش به فارسی و ترکی شعر می سرود و کتاب‌های متعددی در معرفی شاعران ایرانی و تعلیم زبان فارسی تألیف کرد. او *رافائل لامارتین* را از زبان فرانسه به ترکی ترجمه کرد. کتاب *سرآمدان سخن گلچینی* از شعر فارسی است که حسین دانش برای تدریس در مراکز آموزش عالی تدوین کرده است. قصیده *خرابه‌های مدائن* از جمله سروده‌های مشهور اوست که به ترکی هم ترجمه شده و با مقدمه رضا توفیق منتشر شده است. دانش چند سالی نیز معلم مخصوص دو تن از شاهزادگان عثمانی بود و به همراه آن‌ها سفری به اروپا کرد. او در این سفر با ادوارد براون هم آشنا شد و بعدتر با سفر مطالعاتی براون به استانبول به همکاری علمی با او پرداخت. دانش سفری هم به مصر کرد و در آنجا با شیخ محمد عبده و رشید رضا دیدار و گفتگو کرد. از حسین دانش مقاله‌های گوناگونی به فارسی و ترکی در مطبوعات ترکیه اوایل قرن بیستم منتشر شده است. او با بخش فرهنگی سفارت ایران در ترکیه همکاری می‌کرد و با دهخدا^۱ و فروغی و برخی

۱. دهخدا او را گزینه مناسبی برای نمایندگی در مجلس شورای ملی ایران دانسته است. (نامه‌های سیاسی دهخدا، به اهتمام ایرج افشار، ص ۷۲).

دیگر از رجال فرهنگی ایران دوستی و مراوده داشت.^۱ دانش در فروردین سال ۱۳۲۲/۱۹۴۳ در آنکارا درگذشت و جنازه‌اش به استانبول منتقل شد و در مقبره مخصوص خاندان دانش به خاک سپرده شد.^۲

رضا توفیق

رضا توفیق بلوکباشی، معروف به فیلسوف، در سال ۱۲۴۵/۱۸۶۶ در بخشی از امپراطوری عثمانی که در مجارستان کنونی قرار می‌گیرد به دنیا آمد. پدرش، خواجه محمد توفیق افندی، از صاحب‌منصبان بلندپایه بود و در آنجا مقامی مهم داشت. او پس از اتمام مأموریتش به استانبول بازگشت. رضا توفیق در مدارس گوناگون درس خواند و زبان‌های فرانسه و اسپانیایی را به خوبی آموخت. توفیق در رشته پزشکی تحصیل کرد ولی بسیار زود وارد فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی شد و به تدریس فلسفه و ادبیات روی آورد. توفیق به مقام وزارت آموزش و پرورش رسید اما به دلایل سیاسی ناچار شد وطنش را ترک کند. او سال‌های متوالی در مصر، اردن، آمریکا و لبنان به سربرد و در اواخر عمر به ترکیه بازگشت. توفیق علاوه بر تألیف آثار ادبی و فلسفی، شعر هم می‌سرود و اشعارش در روند

۱. فروغی در یادداشت‌های سفر به استانبول از او نام برده و پس از مراجعت به ایران هم با او مکاتبه داشته است (خاطرات فروغی، به کوشش محمد افشین وفایی و پژمان فیروزیبخش، ص ۲۸۴، ۵۸۹ و...)

۲. درباره زندگی و آثار حسین دانش، رجوع شود به قزوینی، محمد: «وفیات معاصرین: دانش»، یادگار، سال ۳، ش ۵۶-۷، ص ۵۰-۵۳ و یادداشت‌های قزوینی، ج ۸، ص ۱۷۹-۸۰؛ صفی‌نیا: «مرحوم حسین دانش»، یادگار، سال ۵۳، ش ۶۷، ص ۱۱۷-۲۰؛ بشری، جواد: «ابیاتی از حسین دانش اصفهانی»، آینه پژوهش، ش ۱۷۱، ص ۱۲۶-۷؛ یولداش، خدیجه: بررسی زندگی و آثار حسین دانش (پایان‌نامه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران)؛ رئیس‌نیا، رحیم: ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۲، ص ۵۸۶ و بعد.

تحول شعر جدید ترکی تأثیرگذار بوده است. در واقع، او مکتب شعری خاصی پدید آورد و پیروانی یافت. توفیق در سال ۱۳۲۸/۱۹۴۹ درگذشت.^۱

افکار خیام و شرح رباعیات

حسین دانش و رضا توفیق در فراهم آوردن کتاب حاضر چند هدف مختلف داشته‌اند. در آن هنگام که این دو محقق دست به نگارش این کتاب زده‌اند هنوز مجموعه‌ای مدون از اصل فارسی رباعیات خیام در دست نبوده، هرچند شرق‌شناسان گام‌هایی در این راه برداشته بودند. بنابراین، آنها می‌خواسته‌اند که در درجه نخست، با بهره‌گیری از نسخه‌های خطی رباعیات، مجموعه‌ای از بهترین و موثق‌ترین رباعی‌های خیام را تدوین کنند. در مرحله بعد در پی آن بوده‌اند که ترجمه‌ای فصیح و مناسب از این رباعی‌ها به زبان ترکی عرضه کنند. این دو محقق به تدوین متن فارسی رباعی‌ها و ترجمه آن به ترکی اکتفا نکرده‌اند و مباحثی را درباره زندگی و افکار خیام و مقایسه نظام فکری او با دیگر فلاسفه و اندیشمندان در سرآغاز کتاب گنجانده‌اند.

در ابتدای کتاب مقدمه مترجم فارسی آمده است که درباره آن، در بحث از ترجمه فارسی، سخن خواهیم گفت. مقدمه متن اصلی با نگاهی به پیشرفت‌های علمی و تمدنی اروپا آغاز می‌شود و نویسندگان پیشرفت‌هایی را که به‌ویژه در قرن نوزدهم نصیب اروپاییان شده است

۱. درباره رضا توفیق، رجوع شود به:

تحسین می‌کنند و شرق‌شناسی و تحقیق در فرهنگ و ادبیات ملل دیگر را نیز بخشی از همین پیشرفت می‌شمارند و کشف شعر خیام را یکی از نمودهای کنجکاو علمی و رشد تمدنی اروپا قلمداد می‌کنند. این نگرش نویسندگان کتاب بارتاب‌دهنده شیفتگی آنان به روح علم‌گرایی غالب بر قرن نوزدهم و تمایل‌شان به اروپامحوری مرسوم در آن دوره است. نویسندگان سپس به شهرت و رواج رباعیات در جهان غرب اشاره می‌کنند و تأکید دارند که فرهنگ و ادب ترکیه نیز باید شعر خیام را پذیرا شود. آنان به کوشش‌هایی که پیش از آنها در راه ترجمه رباعیات خیام در ترکیه صورت گرفته اشاره می‌کنند و ضعف‌ها و نارسایی‌های‌شان را ذکر می‌کنند و شیوه کار خودشان را توضیح می‌دهند. در پایان مقدمه این نکته مطرح می‌شود که اساس کار این دو محقق در تنظیم و تدوین رباعی‌های خیام ملاک صوری نیست یعنی رباعی‌ها را براساس حروف قافیه ذکر نمی‌کنند بلکه مبنای کارشان مضمون و محتوای رباعی‌ها است: رباعی‌های بدبینانه، رباعی‌های شکاکانه، رباعی‌های مرتبط با تغییر و تحول عالم و جز آن. فصل اول کتاب به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شود. بخش نخست به بحث درباره زندگی و زمانه خیام اختصاص دارد و در بخش دوم درباره شعر و شاعری او و ارزش هنری و ادبی رباعیات سخن گفته‌اند. فصل دوم درباره خیام حکیم و فیلسوف است. در این فصل نگرش فلسفی خیام به مابعدالطبیعه و برخی مسائل فلسفی دیگر و از جمله نظریه تغییر دائمی کائنات بررسی شده است. فصل سوم به جهان‌بینی خیام اختصاص دارد و این‌که معنا و مفهوم زندگی از نظر خیام چیست. همین بحث زمینه فصل چهارم را فراهم می‌آورد که درباره نگرش بدبینانه خیام به زندگی و جهان است. در فصل پنجم افکار خیام با

اندیشه‌های برخی فیلسوفان دیگر همچون اپیکور و ابوالعلاء معری و شوپنهاور مقایسه می‌شود. فصل ششم به مسأله نسبت خیام با تصوف اختصاص دارد و این نسبت نفی می‌شود. پس از این شش فصل، مطلبی کوتاه با عنوان «تتمه مقدمه» آمده است. در این بخش به این نکته توجه شده که راز اصلی شهرت شگفت‌انگیز خیام چیست و پس از بررسی نظرهای مختلف بر این نکته تأکید شده است که علت اصلی شهرت خیام در فکر و اندیشه و جهان‌بینی او نهفته است و چکیده‌اش این است که زندگی را باید به نیکی و خوشی گذراند و این اندیشه با تعالیم و مقتضیات تمدن جدید غرب و جهان نو متناسب است. پیش از متن رباعی‌ها مقدمه کوتاه دیگری آمده است که باز هم درباره محتوای فکری اشعار خیام و تقسیم‌بندی موضوعی رباعیات است.

پس از آن متن فارسی رباعیات آمده است. به جز ترجمه ترکی هر رباعی، شرح و توضیحی، گاه مختصر و گاه مفصل، در ذیل هر یک از رباعی‌ها آمده است. در متن اصلی، این توضیحات و شرح و تفسیرها معمولاً با ترجمه ترکی هر رباعی درهم آمیخته است ولی مترجم فارسی طبعاً شرح و توضیح هر رباعی را به فارسی ترجمه کرده است. نویسندگان کتاب جمعاً ۲۴۷ رباعی را از خیام دانسته‌اند و آنها را برحسب موضوع طبقه‌بندی و عرضه کرده‌اند. پس از این رباعی‌ها، تعداد دیگری رباعی (از رباعی شماره ۲۴۸ به بعد) به عنوان رباعی‌های منسوب به خیام آمده است. بنابراین، رباعی‌های گردآوری شده در این کتاب که تعدادشان به ۳۹۶ رباعی می‌رسد عملاً به دو گروه اصیل و منسوب تقسیم شده‌اند. رباعی‌های شماره ۱ تا ۲۴۷ رباعی‌های اصیل و رباعی‌های ۲۴۸ تا ۳۹۶ رباعی‌های منسوب به خیام به شمار آمده‌اند. در آخرین بخش کتاب چند

شعر دیگر منسوب به خیام در قالب‌هایی به‌جز رباعی نقل شده و اشاره‌ای به ترجمهٔ عربی رباعی‌های خیام شده است. اگر می‌خواستیم دربارهٔ رباعی‌ها و صحّت یا نادرستی انتساب‌شان به خیام بحث کنیم یا روایت‌های دیگر و نسخه بدل‌های مرتبط با آن‌ها را ذکر کنیم طبعاً این کتاب شکل دیگری به خود می‌گرفت ولی ما این کار را نکردیم و صرفاً متنی را عرضه کردیم که حسین دانش و رضا توفیق فراهم آورده‌اند.

شیوهٔ کار مؤلفان و ارزش کتاب

چنان‌که گفتیم، این کتاب شامل سه مبحث جداگانه است: مجموعه‌ای از رباعی‌های خیام که به شکل موضوعی تدوین شده است، شرح و تفسیر رباعی‌ها و مطالبی دربارهٔ زندگی، شخصیت، زمانه و اندیشه‌های خیام. دربارهٔ رباعی‌هایی که در این کتاب به نام خیام آمده طبعاً هم از نظر صحّت انتساب و هم از نظر ضبط واژه‌ها چون و چراهای بسیاری وجود دارد. گردآوری این مجموعه از رباعی‌ها، در زمان تدوین و انتشار، نقش مهمی در پیشبرد مطالعات خیام‌شناسی داشته و گامی بلند به جلو بوده است، اما اکنون که مجموعه‌های دیگری از رباعیات خیام با شیوه‌های علمی و انتقادی در دسترس است و منابع بیشتری به دست آمده که در آنها شعری از خیام دیده می‌شود طبعاً نمی‌توان این مجموعه از رباعیات را دارای همان اهمیتی دانست که در زمان تدوین و انتشار داشته است. با این همه، با توجه به این‌که هنوز هم مجموعه‌ای کاملاً اطمینان‌بخش و موثق از این رباعی‌ها فراهم نیامده، این مجموعه نیز در کنار مجموعه‌های دیگر قابل اعتناست و جویندگان رباعی‌های خیام می‌توانند از آن بهره ببرند.

روش مؤلفان در شرح و تفسیر رباعی‌ها روشی محتواگرا و کم‌اعتنا به

صورت و ساختار است. به ظرافت‌های هنری، بلاغی، زبانی و ساختاری رباعی‌ها کمتر توجه شده و در مقابل، به فکر، اندیشه، جهان‌نگری و معانی فلسفی نهفته در آن‌ها پرداخته‌اند. گذشته از تأکید بر اندیشه فلسفی، ذوق فردی و گرایش‌های حاکم بر فضای فکری اوایل قرن بیستم همچون علم‌گرایی و اثبات‌گرایی فلسفی نیز در این شرح و تفسیرها بازتابی گسترده دارد. همین نکته موجب شده که برخی از این تفسیرها امروزه برای ما اندکی غریب جلوه کند.

مطالب مربوط به خیام و زندگی و اندیشه‌اش در فصل‌های آغازین کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود: مباحث مربوط به زندگی خیام و هویت تاریخی او و شعر خیام و شعرسرایی او را حسین دانش نوشته است و مباحث مربوط به اندیشه فلسفی خیام و مقایسه‌اش با دیگر اندیشمندان به قلم رضا توفیق است. در این زمینه‌ها نیز امروزه آثار متعددی در دسترس است، اما بسیاری از این مطالب هنوز خواندنی و تأمل‌برانگیز است. در این بخش و به‌ویژه در فصل‌هایی که به اندیشه فلسفی خیام اختصاص دارد نیز تأثیر گرایش‌های فکری و ذوقی نویسندگان و مخصوصاً رضا توفیق و غلبه روح علم‌گرایی و فلسفه اثبات‌گرایانه قرن نوزدهم به‌روشنی دیده می‌شود.

آشنایی ایرانیان با این کتاب

به دلیل اهمیت این کتاب، شهرت مؤلفان آن و ارتباطات فرهنگی وسیع ایران و ترکیه در دوران پیش از تغییر خط در ترکیه، کتاب حاضر بلافاصله پس از انتشار در ترکیه مورد توجه صاحب‌نظران ایرانی قرار گرفت. در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۳ در یکی از شماره‌های سال اول مجله *ایران‌شهر* چاپ

برلین به انتشار این کتاب اشاره شده و ترجمه فارسی مقدمه آن انتشار یافته است. بخش‌های دیگری از فصل‌های آغازین این کتاب نیز در شماره‌های بعدی این مجله منتشر شده است. در مطلبی که گردانندگان **ایران‌شهر** در معرفی این کتاب نوشته‌اند، از جمله، چنین آمده است: «... دو فاضل شرقی تمام مباحث و تحقیقات و وثایق راجع به خیام را جمع کرده و دو مقدمه بسیار مفیدی به زبان ترکی بر این کتاب نوشته‌اند.»^۱ در مجله **ایران‌شهر** نام مترجم ذکر نشده است. این مترجم کسی نیست جز اسماعیل یکانی که بعدها کتابی مفصل درباره خیام نوشت.^۲ رشید یاسمی در سال ۱۳۰۷ درباره این کتاب چنین داوری کرده است: «... این کتاب با تتبع بسیار جمع آمده و با اشباعی تمام که نزدیک به مبالغه است فلسفه خیام در آن تشریح شده... لیکن این کتاب که کامل‌ترین اطلاعات و مؤخرترین مطالعات را در بر دارد، خالی از نواقص نیست زیرا که از رباعیات استنباط فلسفه خیام را کرده و چون متأسفانه مجموعه‌ای که در معرض تحقیق داشته‌اند از اشعار دیگران عاری نبوده است، به حکم اجبار قسمی از شرح‌ها و استنباطات ایشان به عرفا و شعرائی راجع می‌شود که اشعارشان در رباعیات خیام وارد شده است.»^۳ برخی از صاحب‌نظران تأکید خاص صادق هدایت را بر افکار فلسفی خیام به عنوان ملاک قطعی انتساب رباعی‌ها متأثر از همین کتاب دانسته‌اند.^۴ همایی در

۱. «رباعیات عمر خیام»، **ایران‌شهر**، سال ۱، ش ۹، ص ۲۳۷.

۲. برخی از صاحب‌نظران بر آنند که «بیشتر مطالب کتاب مرحوم یکانی مأخوذ از همان کتاب است (خیام‌نامه، محمدرضا قنبری، ص ۴۹۹).

۳. رشید یاسمی: مقدمه بر رباعیات حکیم عمر خیام (مؤسسه خاور)، نقل شده در رئیس‌نیا، رحیم: **ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم**، ج ۲، ص ۵۹۱.

۴. همان، ص ۵۹۳.

مقدمه تصحیح **طربخانه** که مجموعه‌ای از رباعیات خیام است می‌گوید: «مابین مؤلفان قرن حاضر تا آنجا که من اطلاع دارم اولین کس که نسخه **طربخانه** را دیده و نمونه‌ای هم از آن در تألیف خود نقل کرده مرحوم حسین دانش است، از معارف فضلالی شعرا و ادبای ترکیه که به اتفاق رفیق ادیبش رضا توفیق مجموعه‌ای از رباعیات خیام با ترجمه ترکی و مقدمه و تعلیقات محققانه ترتیب دادند.»^۱ اسماعیل یکانی در کتاب **نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او**، ضمن معرفی دقیق کتاب حاضر، می‌گوید: «در تألیف و تصنیف این کتاب زحمت زیادی کشیده شده و دقت کاملی به عمل آمده و سلیقه ممتازی به کار رفته است. الحق تا آن تاریخ چنین مجموعه جامعی در شرق بی‌نظیر بوده است.»^۲ در اینجا نمی‌خواهیم به همه آثاری اشاره کنیم که در ایران تألیف شده‌اند و از این کتاب تأثیر پذیرفته‌اند. اجمالاً می‌توان گفت که مطالب این کتاب بر سیر تحول خیام‌شناسی در ایران، از **ترانه‌های خیام** صادق هدایت تا آثار پدید آمده در دهه‌های اخیر، تأثیری آشکار داشته است. برای نمونه، بحث مقایسه افکار و اندیشه‌های خیام و ابوالعلاء معری بدان‌گونه که در این کتاب مطرح شده دستمایه اصلی کسانی بوده است که پس از آن در این باره مطلبی نوشته‌اند.

ترجمه فارسی کتاب

چنان که گفتیم، محققان ایرانی از این کتاب بسیار بهره برده‌اند. این

۱. رشیدی تبریزی، یاراحمد: **طربخانه (رباعیات خیام)**، به اهتمام جلال‌الدین همایی، ص ۵۶.

۲. یکانی، اسماعیل: **نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او**، ص ۹۵.

بهره‌گیری از نقل قول‌های کوتاه تا اقتباس‌های گسترده و الهام‌گرفتن را شامل می‌شود. علاوه بر این، متن فارسی رباعی‌های آن نیز از مآخذ اصلی تدوین چاپ‌های مختلف رباعیات خیام در ایران بوده است.^۱ در سال‌های اخیر روایت خلاصه شده‌ای از کتاب نیز مستقلاً و به همت استاد توفیق سبحانی به فارسی ترجمه و منتشر شده است. این چاپ گذشته از رباعی‌ها فقط فصل‌هایی از کتاب را شامل می‌شود که به قلم حسین دانش است و فاقد مباحث فلسفی کتاب است که نوشته رضا توفیق است. این ترجمه بر اساس چاپی از متن ترکی صورت گرفته که حسین دانش بعدها از چاپ مفصل کتاب فراهم آورده است.^۲

ترجمه حاضر که بر مبنای چاپ نخست کتاب صورت گرفته، همه مباحث مندرج در آن چاپ و از جمله بحث‌های فلسفی و تطبیقی رضا توفیق را نیز در بر دارد. البته اهمیت کتاب در این نکته خلاصه نمی‌شود. در واقع، اهمیت کتاب، از جهت دیگر، در ترجمه فارسی آن نهفته است. مترجم در لابه‌لای مباحث کتاب دیدگاه‌های خود را نیز جداگانه بیان کرده است و اگر همه اظهارنظرهای او را در کنار هم قرار دهیم کتابی کوچک فراهم خواهد آمد. از آنجا که مترجم کتاب شخصیتی بحث‌برانگیز است که اغلب آثارش هنوز منتشر نشده‌اند یا بررسی و تحلیلی دقیق و جامع از آنها صورت نگرفته است همین نوشته‌های پراکنده در لابه‌لای متن و سخنانی که درباره انگیزه‌اش برای دست زدن به این کار بیان کرده بسیار

۱. همایی در مقدمه طربخانه، پس از معرفی کتاب حاضر، می‌گوید: «ما در جزو مآخذ خود برای آن رمز «تر» که حروف اختصاری ترجمه ترکی طبع ترکیه است اختیار کرده‌ایم.» (طربخانه، ص ۵۷).

۲. دانش، حسین (گردآوری و مقدمه): رباعیات خیام، ترجمه و توضیح توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.

مغتنم است. بهتر است پیش از پرداختن به ترجمه کتاب و ویژگی‌های آن، به زندگی پرفراز و نشیب و افکار و اندیشه‌های مترجم، به اجمال، اشاره کنیم.

نگاهی به زندگی زنجانی

ابراهیم قزلباش زنجانی در سال ۱۲۳۳ هـ. ش. / ۱۲۷۲ هـ. ق. در روستای سرخه دیزج در شمال سلطانیه به دنیا آمد. پدرش آقا محمد هادی در همان منطقه آب و ملک داشت. ابراهیم در همان‌جا سواد آموخت و به مکتب رفت و تحصیل کرد. او در سرآغاز جوانی ناچار شد برای کسب معاش به معلمی و مکتب‌داری مشغول شود. در همین ایام تجربه‌ای عاشقانه را از سرگذراند و در بیست‌سالگی برای رهایی از عوالم عشق و شور جوانی به ریاضت روی آورد و به قصد علم‌آموزی به زنجان رفت. او تا بیست‌وپنج سالگی در محضر علمای زنجان درس خواند. او در همان سال‌ها ازدواج کرد. همسر اول او بعدها درگذشت و او برای بار دوم ازدواج کرد. زنجانی از هر دو همسر خود صاحب فرزند شد. او در سال ۱۲۵۷ هـ. ش. / ۱۲۹۶ هـ. ق. به قصد تکمیل تحصیلات عازم نجف شد. زنجانی بعدها و در دوران سالخوردگی خاطرات مربوط به این برهه از زندگی‌اش را - یعنی از سال ۱۲۵۷/۱۲۹۶ که عازم نجف می‌شود و سپس به زنجان باز می‌گردد و اقامت می‌کند تا سال ۱۲۸۴/۱۳۲۴ که به عنوان نماینده مردم خمسه و زنجان وارد مجلس شورا می‌شود - با ذکر جزئیات به قلم آورده است.^۱

۱. زنجانی، ابراهیم: خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح. دربارهٔ حوادث زندگی او، همچنین رجوع شود به نیرومند، کریم: سخنوران و خطاطان

زنجانی در نجف نیز به زندگی زاهدانه‌اش ادامه داد و همه وقتش را صرف علم‌آموزی کرد. او در خاطراتش به تفصیل درباره استادان و شیوه درس‌آموزی و زندگی در عتبات سخن گفته است. از جمله استادان او در نجف آخوند خراسانی صاحب کفایه را می‌توان نام برد. خاطرات زنجانی همچون برخی از آثار آقاجفی قوچانی از جمله معدود آثاری است که به قلم طلاب علوم دینی نوشته شده و زندگی طلبگی را با ذکر جزئیات توصیف می‌کند.^۱ در بحث از آثار زنجانی به این موضوع باز خواهیم گشت.

زنجانی از سال ۱۲۹۶/۱۲۵۷ تا سال ۱۳۰۵/۱۲۶۶ در عتبات به تحصیل پرداخت و با کسب درجه اجتهاد به زنجان بازگشت. دوره اقامت پرزحمت در عتبات و تحصیل در حوزه علمیه نجف فرصتی بی‌نظیر برای زنجانی فراهم آورد که استعداد ذاتی خود را پرورش دهد و در میان همگنان تشخیص پیدا کند. علمای بزرگ عصر نیز به او عنایت و التفات نشان دادند. زنجانی گهگاه از استعداد و پشتکار و عزم استوارش در علم‌آموزی با لحنی سخن گفته که مخالفانش آن را حمل بر خودشیفتگی و خودستایی کرده‌اند^۲، هرچند سخنان او خالی از حقیقتی نیست و نمی‌توان استعداد او را انکار کرد. برای نمونه، در جایی می‌گوید:

۱. زنجان، ص ۱۴۲؛ معلم حبیب‌آبادی، محمد علی: مکارم‌الآثار، ج ۶، ص ۳-۴۲۰؛ مشار، خان‌بابا: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون، ج ۱، ص ۵۸۶؛ «رجال مدر مشروطیت: شیخ ابراهیم زنجانی»، یغما، سال ۵، ش ۳، ص ۱۳۳؛ نظری، منوچهر: مجال پارلمانی ایران، فرهنگ معاصر، ص ۱۵-۴۱۳.

۲. درباره اهمیت خود زندگی‌نامه‌نویسی زنجانی، رجوع شود به یاور، حورا: داستان ارس و سرگذشت مدرنیته در ایران، ص ۴-۳۷۳.

۳. ابوالحسنی (مندر)، علی: شیخ ابراهیم زنجانی، زمان، زندگی، خاطرات، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ص ۳۵۲.

من که در هوش و ذکاوت و مخصوصاً حافظه یکی از نوادر زمان بودم و در اندک زمان در ولایت خودم در اصول و فقه و نحو و صرف و منطق... به امثال خودم برتری یافته بودم و نشنیدم کسی در ظرف پنج سال - آن هم با تعطیل نصف هر سال به قدر من ترقی کرده باشد، همت من با مساعدت و ترغیب خالوی مرتبی من بر این بود که جداً خود را به آن مقام عالی تر برسانم و افضل و اکمل مقاصد را درک نمایم.^۱

زنجان پس از بازگشت از عتبات امام جماعت و واعظ مسجدی کوچک در شهر زنجان شد ولی به سرعت به شهرت و مقبولیت رسید و همچنان که خودش شرح داده با بزرگان شهر مراوده پیدا کرد و در یکی از محله‌های اعیان‌نشین ساکن شد.^۲ از جمله وقایعی که بر شهرت و اعتبار او افزود مناظره او با یکی از مبلغان بهایی به نام ورقا بود.^۳ البته زنجان مخالفانی هم در میان علما و بزرگان زنجان داشته است و درباره آنها هم سخن گفته است که ملا قربان علی زنجان از جمله آنهاست.

از سال ۱۲۷۲/۱۳۱۲ فصل تازه‌ای در زندگی زنجان آغاز می‌شود. البته اگر مناصب و مشاغلی را در نظر بگیریم که او بر عهده داشته یا دوره اقامتش در نجف یا زنجان یا تهران یا ورود رسمی او به سیاست را ملاک قرار دهیم این سال اهمیتی ندارد و از این جهات تفاوت و تمایزی در زندگی او حادث نشده است. این سال از آن رو مهم است که به گفته خودش تحوّل فکری‌اش از این زمان آغاز شده است. خود او در این باره

۱. زنجان، ابراهیم: خاطرات شیخ ابراهیم زنجان، ص ۴.

۲. همان، ص ۱۰۹ و بعد.

۳. همان، ص ۱۳۳ و بعد.

می‌گوید:

کم کم من قدم به عالم دیگری گذاشتم و اول تنبّه من از خواندن *حبل المتین* کلکته و روزنامه پرورش مصر شد که از وضع جهان اشاراتی می‌کردند و ایران را بدبخت می‌شمردند و من در خلوت... خوانده و پنهان می‌کردم... میرزا علی اصغر خان مشیرالممالک که به یک درجه قایل به ترقی و تمدن و اطلاعات بود محرمانه یک جلد کتاب به من داد که *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ* بود و گفت احدی مطلع نشود. این را یک نفر از حجاج در میان اشیاء سفر در وسط لحاف از مصر آورده و محرمانه به من هدیه کرده. این کتاب قاچاق و ممنوع است... کتاب را گرفته پنهانی شب‌ها خواندم. دیدم نویسنده واقعاً شخص بیدار وطن دوست ایران‌خواهی است که خواسته ایرانیان را از بدبختی و تاریکی و مردابی که در میان آن فرو رفته‌اند آگاه کند. واقعاً یک دری از افکار به روی من باز کرد.^۱

زنجان‌ی در ادامه توضیح می‌دهد که خواندن رمان و داستان چه تأثیری بر او نهاده است:

بعد میرزا هاشم خان یک روز... گفت... خوب است لامحاله رمان بخوانید. پرسیدم رمان چیست؟ گفت کتاب حکایت را می‌گویند که در فرنگستان رسم است... گفتم من که زبان فرنگی نمی‌دانم. گفت چند کتاب ترجمه شده. من می‌دهم بخوانید. پس کتاب سه نفر *تفنگدار* را جلد اول و

۱. زنجان‌ی، ابراهیم: *خاطرات شیخ ابراهیم زنجان‌ی*، ص ۱۴۸۹.

دویم و سوم را محرمانه خواندم و وضع غریبی در ادای مطلب و طرز نوشتن دیدم. بعد کتاب کنت مونت کریستو را دادند خواندم و رمان‌های کوچک دیگر.^۱

خود زنجانی در جایی دیگر هم به تأثیر بعضی رمان‌ها در «بیداری» او و «جلب به علوم و ترقی» اشاره کرده است.^۲ کتاب‌های طالبوف هم در تحوّل فکری زنجانی مؤثر بوده است.^۳ زنجانی تحت تأثیر این آثار دست به تألیف و ترجمه می‌برد و آثار متعددی می‌نویسد. در بحث از آثار زنجانی به این موضوع باز خواهیم گشت.

ورود به سیاست و اقامت در تهران

از جمله وقایع زندگی زنجانی در آخرین سال‌های اقامتش در زنجان سفری است که در طی آن به همراه چند تن دیگر از راه رشت و باکو و عشق‌آباد به مشهد می‌رود و از راه دامغان و شاهرود به زنجان برمی‌گردد. جزئیات ماجرای این سفر در کتاب *خاطرات* او آمده است.^۴ پس از صدور فرمان مشروطیت و فراهم آمدن مقدمات شکل‌گیری مجلس شورای ملی زنجانی از طرف مردم خمسه و زنجان به نمایندگی دوره اول مجلس انتخاب شد و در سال ۱۲۸۵/۱۳۲۴ به تهران رفت و دوران تازه‌ای را آغاز کرد.^۵

زنجانی در تهران با تقی‌زاده و افراد صاحب اقتدار دیگر رابطه پیدا

۱. همان، ص ۱۴۹.

۲. همان، ص ۱۵۶.

۳. همان، ص ۱۹۵ و ۱۵۵.

۴. زنجانی، *ابراهیم: خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*، ص ۱۶۸ و بعد.

۵. همان، ص ۲۱۱-۱۲.